

امیر کوید: دلیل منی شود که دوست تو هست کارهایی بکنی که ناراحت نشود.

امیر کوید: پس شما بگو بنده چه کاری بکنم که ناراحتی نکرد دست نشود.

پدر امیر کوید: برو به خانم محمد و از دلش در بیا و رو با هم یک قطعه در علامت می‌دهد و می‌گوید: این کار

امیر کوید: چشم پدر عزیزم! امیر به خانم محمدی رو می‌دهد و می‌گوید من با تو قسم می‌خورم این کار

انجام دادی؟

امیر کوید: حالای کجاکلیم تا تو مرا ببخشی؟

محمدی کوید: عذرخواهی نمی‌توانم حالا بیا یک یک من تا یک قطعه دیگر برای مادر من بیاورم.

امیر کوید: چشم محمد و تا همیشه با هم آشتی بود و دو یک قطعه بهتر ساختی.

Elvin

عطارد ۲

سید رضا خاندانی نویسنده

پدر و مادر و از دو عذرخواهی کنند و مادر یک آفتاب می‌سازند

و برود از خضای مجازی پاک کنند

اشکالی ندارد یک آفتاب جدید می‌سازم



امیر عباس هرمزی

عطار ۲

از میام اری

امیر بعد از شنیدن حرف نعلی پدرش رفت دم خانم محمد

و از او عذرخواهی کرد و محمد عذرخواهی کرد

و علی محمد با داد زدن دل امیر را شکست و امیر با ناراحتی از

خانه محمد رفت محمد بعد از مدتی آرام شد بعد از گاری که انجام

داد پشیمان شد بعد محمد رفت پیش امیر که خیلی ناراحت بود

بعد محمد از گاری انجام داد عذرخواهی کرد و آن دو دوباره

با هم دوست شدند بعد امیر با محمد قطعه را درست کردن و دو

تولد مادر محمد رسید محمد گفت می‌توانم سوپرایز دکنم و می‌نشد

و می‌دان ۶ اسه قطعه می‌کامل را دوست می‌توانم بعد مادر

محمد از قطعه‌ای که داشت نوشتن بود خیلی خوشحال شد

پایان